

# درآمدی بر تعامل مفاهیم جنسیت و فضا<sup>۱</sup>

فرانک فرزانه<sup>۲</sup>

کلیدواژگان: جنسیت، تعامل جنسیت و فضا، فضای شهری، بازنمایی جنسیت، طراحی شهری.

## چکیده

در طراحی و ارزیابی فضاهای شهری، اندیشمندان به نیازهای اولیه انسان بسیار توجه می‌کنند و همه بر این اعتقاد هستند که، بدون توجه به این نیازها، امکان دسترسی به فضا و تحرک‌پذیری در آن به حد قابل ملاحظه‌ای محدود خواهد شد. این نیازها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی قرار دارند و «جنسیت» یکی از موضوعهای حساس این مقوله است. تا کنون تحقیقات دامنه‌دار فراوانی درباره جنسیت و جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، روانی، اشتغال، اقتصاد، و... در قالب رویکردهای مختلف درباره زنان صورت گرفته است، و لیکن مطالعات شفاف‌پیرامون ارتباط این گروه- که حداقل نیمی از استفاده‌کنندگان از فضا هستند و مطمئناً با نیازهای فضایی خاصی مواجهند- با فضای شهری صورت نگرفته است. هدف از این پژوهش معرفی یکی از مباحث متأخر در حوزه دانش طراحی شهری؛ «موضوع جنسیت، تحلیل تعامل مفاهیم جنسیت و فضا، و نهایتاً معرفی چگونگی امکان مداخله طراحی شهری در تعادل بخشی به فضای شهری جنسیت‌یافته است. به این منظور

نخست مفاهیم اولیه و رویکردهای نظری در موضوع جنسیت مطرح؛ سپس سیر تحول محتوایی این رویکردها بررسی، و در ادامه ضمن بازشناسی نظریات مرتبط، تعامل مفاهیم جنسیت و فضا و نموده‌های بازنمایی جنسیت در فضای شهری معرفی می‌شوند. در نهایت امکان مداخله طراحی شهری، که ابزار ارتقای کیفیت محیط برای تمام گروه‌های اجتماع است، سنجش خواهد شد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی، گرچه بر پایه تفاوت‌های جنسی (عموماً منتج از تفاوت‌های طبیعی) استوار هستند، ولی از طرق اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی ایجاد می‌شوند، که در خلال زمان و مکان دستخوش تغییرند. تحقیق حاضر چنین دلالت می‌کند که، اساسی‌ترین بازنمایی فضای جنسیت‌یافته نمونه «حوزه‌های مجزا» هستند، و یک سیستم تقابلی و سلسله‌مراتبی است، که قلمرو عمومی را از قلمرو خصوصی جدا می‌کند. نهایتاً پژوهش به این نتیجه می‌رسد که مطالعه و بررسی جنسیت و فضا یک موضوع میان‌رشته‌ای است و در این میان حرفه طراحی شهری، با تکیه بر رویکردهای کثرت‌گرا و به کار بستن معیارهای طراحی همه‌شمول، قادر خواهد بود، در فرایند ایجاد فضای شهری و با مد نظر قرار دادن موضوع جنسیت، به نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی توجه کند و از این طریق فضای شهری جنسیت‌یافته را تعادل بخشد.

۱. مقاله حاضر برگرفته شده است از: فرانک فرزانه، راهنمای طراحی شهری معطوف به جنسیت.  
۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵؛ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد تهران، ۱۳۸۱؛  
F.Farzaneh@yahoo.com

## پرسش‌های تحقیق

۱. «جنسیت» چیست؟
۲. «تعامل جنسیت و فضا» چگونه است؟
۳. آیا می‌توان فضای شهری جنسیت‌یافته را به کمک دانش و حرفه طراحی شهری تعادل بخشید؟

## مقدمه

بشر همواره، با ایجاد ساختار فضاهایی در شهر، نیاز ذاتی خود را برای برقراری روابط اجتماعی برآورده کرده است، فضاهایی که از نظر اجتماعی فعالند و امکان ارتباط را فراهم می‌آورند؛ شهر از درون این فضاها تجلی می‌یابد. در این میان، محیط زندگی ساخته‌شده دست بشر ما را با رسوم و قواعد تحکیم شده و تعاریف نقش‌ها در جامعه احاطه کرده است.<sup>۳</sup> در طراحی و ارزیابی فضاهای شهری، اندیشمندان به نیازهای اولیه بسیار توجه می‌کنند و عموماً بر این اعتقادند که، بدون بی‌توجهی به این نیازها، فضا می‌تواند صدمات فیزیولوژی و روانی جبران‌ناپذیری به انسان وارد کند. از آنجا که طراحی شهری به نیازهای انسانی به صورت کیفی توجه می‌کند، بدیهی است که این حرفه باید در فرایند ایجاد هر گونه فضای شهری به این نیازها و روابط متقابل و اجزای آن‌ها رسیدگی کند. این نیازها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی قرار دارند و «جنسیت» یکی از موضوعات حساس از این مقوله است که، به‌ویژه ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این قبیل موضوعات بستر ابعاد ظریفی را در برخورد با مقوله طراحی شهری فراهم می‌کنند، که در پژوهش حاضر سعی شده به آن‌ها توجه شود.

تا کنون تحقیقات دامنه‌دار فراوانی در مورد جنسیت و جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، روانی، اشتغال، اقتصاد، و... در قالب رویکردهای مختلف در مورد زنان صورت گرفته است، لیکن مطالعات شفافی درباره ارتباط این گروه که حداقل نیمی از استفاده‌کنندگان از فضا هستند و مطمئناً با نیازهای فضایی خاصی مواجهند- با فضای شهری صورت نگرفته است. در جامعه امروزی زنان با «حرکت از حوزه خصوصی به حوزه عمومی» وظایف بیشتری بر عهده گرفته‌اند و نقش‌های اجتماعی گسترده‌تری دارند. اما در این بین «ماهیت جنسیت‌یافته فضای شهری» منجر به محدود شدن تحرک‌پذیری اجتماعی و مکانی زنان شده است، به گونه‌ای که علی‌رغم ایجاد شدن فضاهای عمومی جدید، زنان نمی‌توانند از هیچ‌یک از آن‌ها بدون دغدغه استفاده کنند.<sup>۴</sup>

پژوهش حاضر مقدمه‌ای است بر معرفی موضوع جنسیت، از موضوعات متأخر در حوزه دانش طراحی شهری، «تعامل مفاهیم جنسیت و فضا»، و چگونگی امکان مداخله طراحی شهری در تعادل‌بخشی به فضای شهری

۳. نک: Women's Design Service, *Cycling Networks Hit the Road*.

۴. مسرت امیرابراهیمی، «فضای عمومی در حصار»، ص ۶۳-۶۷.

## رویکردهای نظری مرتبط با موضوع جنسیت

وجه تمایز اعمال شده بین مفاهیم جنس و جنسیت، و میزان اهمیتی که به آن‌ها نسبت می‌دهند، هم از نظر تشریحی و هم آنالیز، اغلب اساس یک رویکرد نظری ویژه را تعریف می‌کند. نیروی محرکه رویکردهای نظری معاصر، یک پرسش به ظاهر ساده است: «درباره زنان چه می‌دانیم؟» اجتماع‌پژوهشی معاصر، به گونه‌ی نمایانی کشف کرده است که، آنچه عالم تجربه پنداشته شده است، در واقع شرح جزئی‌بینانه‌ای از کنش‌گران مرد و تجربه آن‌ها بوده است.<sup>۱۵</sup> اکنون زنان در بیشتر موقعیت‌های اجتماعی حضور دارند و در هر کجا که حضور یافته‌اند، نقش‌هایی را ایفا کرده‌اند، که با برداشت همگانی از آن‌ها (به طور مثال کدبانوها و مادران غیرفعال) بسیار تفاوت دارند.

همین چون‌وچراها ما را به دومین پرسش بنیادین سوق می‌دهد: «چرا وضع زنان به این صورت است؟» این پرسش نیز به تبیینی از همین جهان نیاز دارد: «چگونه می‌توان جهان را دگرگون کرد و بهبود بخشید؟» در قلمرو جامعه‌شناسی، نظریه‌های مارکس و نئومارکسیست‌ها بسیار دستخوش دگرگونی است. بر اساس نظریه مارکس، آنچه احکام کلی و مطلق درباره واقعیت انگاشته می‌شود، در واقع بازتاب‌کننده تجربه کسانی است که از جهت اقتصادی و سیاسی بر جهان اجتماعی فرمانروایی می‌کنند. اگر همین جهان را از دیدگاه گروه‌هایی، تاکنون نامرئی و پنهان و بی‌اعتبار دوباره کشف کنیم، یعنی از دیدگاه کسانی که تاکنون در نقش‌هایی زیردست، ولی ضروری، برای ابقا و بازآفرینی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم خدمت کرده‌اند؛ دانش تک‌بعدی ما نسبییت پیدا می‌کند. همین کشف دوباره در مورد همه چیزهایی که می‌پنداشتیم درباره جامعه می‌دانیم و در فهم ما از جهان نوعی دگرگونی ایجاد می‌کند.<sup>۱۶</sup>

جنسیت‌یافته. ساختار اصلی این نوشتار عمدتاً با هدف آزمون موضوع جنسیت در تعامل با مفهوم فضا، مبتنی بر چهار بخش است: در اولین گام مفاهیم پایه درباره جنسیت تعریف خواهد شد، سپس رویکردهای نظری در حوزه جنسیت و سابقه و تاریخچه آن‌ها و دیدگاه‌های مختلف به ویژه درباره مسائل شهری معرفی می‌شوند، در این بخش سیر تحول محتوایی این رویکردها نیز مرور خواهند شد، آنگاه تعامل مفاهیم جنسیت و فضا، چگونگی جنسیت یافتن فضا و بازنمایی آن تحلیل می‌شود، و نهایتاً امکان استفاده از طراحی شهری به مثابه ابزاری برای ارتقای کیفیت محیط، همچنین امکان مداخله آن به منظور تعادل بخشیدن به فضای شهری جنسیت‌یافته تبیین خواهد شد.

## جنسیت

یکی از نخستین مفاهیم مورد توجه در این پژوهش مفهوم «جنسیت»<sup>۵</sup> و درک تفاوت معنایی آن با مفهوم «جنس»<sup>۶</sup> است. در نگاه جامعه‌شناختی، جنس-نر<sup>۷</sup> و ماده<sup>۸</sup>-اشاره به تفاوت بیولوژیکی بین بدن‌ها و جنسیت-مردانه<sup>۹</sup> و زنانه<sup>۱۰</sup>-اشاره به ساختار اجتماعی مجموعه‌ای از تفاوت‌های بین مردها<sup>۱۱</sup> و زن‌ها<sup>۱۲</sup> دارد.<sup>۱۳</sup> جنسیت را می‌توان تصویر کلان اجتماعی از هنجار و نُرْم «زنانگی» و «مردانگی» تعریف کرد. این در حالی است که در مقوله «جنس» خاستگاه‌های زیستی و تفاوت‌های زیست‌شناختی زنان و مردان بررسی می‌شود. تفاوت‌های جنسی عموماً منتج از تفاوت‌های طبیعی و ساختمان اولیه تلقی می‌شوند؛ در حالی که، تفاوت‌های جنسیتی، گرچه بر پایه تفاوت‌های جنسی استوار هستند، از طرق اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی ایجاد می‌شوند، که در خلال زمان و مکان دستخوش تغییر هستند.<sup>۱۴</sup>

5. gender

6. sex

7. male

8. female

9. masculine

10. feminine

11. men

12. women

۱۳. نک: J. Rendell & B. Penner

& I. Borden, *Gender Space, Architecture*

۱۴. نک: جرج ریترز، نظریه

جامعه‌شناسی در دوران معاصر.

۱۵. نک: همان.

۱۶. نک: پاملا آبوت و کلر والاس،

جامعه‌شناسی زنان.

نمونه‌شناسی‌ها از نظر رویکردهای جنسیتی بر همان دو پرسش بنیادین استوار است که اغلب رویکردهای نظری را به هم پیوند می‌دهد:

– پرسش توصیفی: دربارهٔ زنان چه می‌دانیم؟

– پرسش تبیینی: چرا وضع زنان به این صورت است؟

اساساً دیدگاه‌های جامعه‌شناختی سه پاسخ برای پرسش‌های بالا مطرح می‌کنند:

۱- جایگاه و تجربهٔ زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربهٔ مردان در همان موقعیت‌ها «تفاوت» دارد.

۲- جایگاه زنان در بیشتر موقعیت‌ها، نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، بلکه با آن «نا برابر» است.

۳- موقعیت زنان را باید بر حسب رابطهٔ قدرت مستقیم میان مردان و زنان درک کرد. از این نظر زنان تحت تابعیت و «ستم» قرار دارند. یعنی تحت قید و بند، تابعیت، تحمیل، سوء استفاده و بدرفتاری به سر می‌برند.

بدین ترتیب انواع گوناگون نظریه‌های جنسیتی بر پایهٔ سه جهت‌گیری عمده شکل گرفتند:

۱- جهت‌گیری که بر تفاوت‌های جنسی تأکید دارد.

۲- جهت‌گیری که بر نابرابری تأکید دارد.

۳- جهت‌گیری که بر ستمگری تأکید دارد.

پرداختن به جزئیات و محتوای تمامی نظریه‌ها مطابق با جهت‌گیری‌های فوق از فرصت این مقاله خارج است، و تنها انواع نظریه‌ها و همچنین تمایز کلی میان هر گروه در جدول «ت ۱» به طور خلاصه معرفی می‌شوند. در ستون سمت راست انواع نظریه‌ها بر حسب پاسخ آن‌ها به پرسش بنیادی «دربارهٔ زنان چه می‌دانیم؟» طبقه‌بندی شده است و در ستون سمت چپ تمایزهای میان این مقولات نظری بر حسب پرسش تبیینی «چرا وضع زنان به این صورت است؟» مشخص می‌شود.

## مروری بر سیر تحول محتوایی رویکردهای نظری

در جهان غرب، تاریخ رسمی آغاز گرفتن رویکردهای مرتبط با موضوع جنسیت با آثاری که، در اعتراض به موقعیت زنان منتشر شده‌اند، مشخص می‌شود. این آثار نخستین بار در دههٔ ۱۶۳۰ انتشار یافتند و همچون جریانی باریک ولی مستمر، تا ۱۵۰ سال دیگر ادامه داشتند. بیشترین مدارک و نوشته‌ها دربارهٔ این فعالیت‌ها به دوران آزادی‌خواهانهٔ تاریخ غرب نوین تعلق دارند؛ نخستین غلیان تولید در این زمینه در دهه‌های ۱۷۸۰ و

تمایز میان نظریه‌ها	انواع نظریه‌های بنیادی
پاسخ‌هایی به پرسش تبیینی «چرا وضع زنان به این صورت است؟»	پاسخ‌هایی به پرسش توصیفی «دربارهٔ زنان چه می‌دانیم؟»
- تبیین‌های اجتماعی-زیستی تفاوت زنان با مردان؛ - تبیین‌های نهادی تفاوت زنان با مردان؛ - تبیین‌های اجتماعی روان‌شناختی تفاوت زنان با مردان.	جایگاه و تجربهٔ زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربهٔ مردان در همان موقعیت‌ها تفاوت دارد.
- تبیین‌های لیبرال از نابرابری؛ - تبیین‌های مارکستی لیبرال از نابرابری؛ - تبیین‌های مارکس و انگلس؛ - تبیین‌های مارکستی معاصر.	جایگاه زنان در بیشتر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، بلکه با آن نابرابر است.
- تبیین‌های روان‌کاوانهٔ ستمگری؛ - تبیین‌های رادیکال از ستمگری؛ - تبیین‌های سوسیالیستی از ستمگری.	زنان علاوه بر نابرابر بودن و تفاوت داشتن با مردان، تحت تابعیت و ستم نیز قرار دارند.

ت ۱. جدول رویکردهای نظری معطوف به جنسیت و تمایز میان آنها، مأخذ: جرج ریتزر، نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر.

برابری بحث نشده باقی می‌ماند. این موضوع می‌تواند در خلاف جهت سیاست‌های رادیکال، که در آن اهداف و علایق زنان از دیدگاه تفاوت تعریف می‌شود، و این که زن بودن چه معنایی دارد، بررسی شود. سیمون دو بووار<sup>۲۱</sup> بر این مبحث متمرکز است، از نظر او بر این اساس زنان «غیر از»<sup>۲۲</sup> مردان هستند.<sup>۲۳</sup> اگرچه شکل دقیق تجزیه و تحلیل‌ها فرق دارد، ولی تفاوت جنسی علت اصلی تبعیض شناخته می‌شود. یکی از ارزیابی‌های اولیه و مؤثر درباره راه‌هایی که تفاوت جنسی زنان را در حاشیه قرار داده، توسط بتی فریدن<sup>۲۴</sup> مطرح شده است. او سعی می‌کند با توضیح «مشکل بدون نام»، انتقادی از اثرات زندگی خانگی در حومه شهرها بر زنان را مطرح کند.<sup>۲۵</sup> احتمالاً بزرگ‌ترین وکیل مدافع تفاوت‌های جنسیتی ماری دیلی<sup>۲۶</sup> است و کار وی در بر دارنده خطی از سیاست‌های رادیکال است و شکلی از تجزیه و تحلیل را مطرح می‌کند که، کمتر مبتنی بر تفاوت‌های مادی و جسمانی است و بیشتر بر تفاوت‌های عاطفی و احساسی تأکید می‌کند.

بیشترین موفقیت این رویکردها در ترسیم انتقادات اختلاف جنسی از تئوری‌های آکادمیک به سمت مباحث و خطوط فکری، در کارهای گرمین گریر<sup>۲۷</sup> استرالیایی دیده می‌شود، ارزیابی محکم و ارزشمند او درباره تخریب زنان در خلال سیستم مردسالاری هنوز هم یک منبع کلیدی به حساب می‌آید.<sup>۲۸</sup> در همین زمینه کار آندره دورکین<sup>۲۹</sup>، به علت مباحث ستیزه‌جویانه‌اش در اعتراض زن‌ها به خاطر قدرت و اختیار مردانه، قابل توجه است، همچنین در بردارنده وضعیتی مهم و قابل ملاحظه در طرز تفکر تفاوت جنسی است.

به تدریج بنا به مبحث صریح رویکردهای اولیه و تمایل و تأکید آن‌ها به برابری زنان، اشکال متعدد این نظریات، به خاطر توجه بیش از حد به برابری زنان به جای توجه به اختلاف بین آن‌ها، نقد شدند.

۱۹۷۰ پیش آمد. در دهه ۱۸۵۰ کوشش‌ها بسیار سازمان‌یافته‌تر و متمرکزتر از گذشته بودند. از جمله بسیج توده‌ای برای کسب حق رأی برای زنان در اوایل سده بیستم رخ داد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با جنبش نوین، گسترده، و جداگانه‌ای روبه‌رو می‌شویم.<sup>۱۷</sup>

آثار نظری پیرامون جنسیت از دهه ۱۹۶۰ در جامعه‌شناسی مطرح شده‌اند. جامعه‌شناسان به موازات روی آوردن به مسایل جنسیت، بخشی از نظریه‌های موجود جامعه‌شناختی را برای پایه‌گذاری رشته «جامعه‌شناسی جنسیت» به کار بردند.<sup>۱۸</sup> هرچند اصطلاح «جنسیت»، غالباً در جامعه‌شناسی با حسن نیت در مورد زنان به کار برده می‌شود، اما جامعه‌شناسی جنسیت به گونه‌ای دقیق‌تر به بررسی نقش‌ها، روابط و هویت‌های اجتماعی مردان و زنان اطلاق می‌شود.

اولین موضوع کلیدی پدیدار شده در بسط رویکردهای نظری، بحث تساوی حقوق است. موج اول این نظریه‌ها که در اواخر قرن هجده آغاز شد و در اواخر قرن نوزده به بار نشست، مطالبه مقابله و ایستادگی در برابر نابرابری قانونی مردسالاری و تابعیت تحمیلی زنان بود. موج دوم که در اواخر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پدیدار گشت، بیشتر مربوط به درک این مسئله است که، چرا زنان با مردان تفاوت دارند؛ تا به این موضوع اهمیت دهد که، چگونه زن‌ها می‌توانند جایگاه و شأن برابر با مردان به دست آورند. ویرجینیا وولف<sup>۱۹</sup> بیان می‌دارد که مبارزات زنان برای حقوق مساوی را، می‌توان به دو صورت محرومیت انفرادی و محرومیت جمعی زنان، از قلمروهای همگانی جامعه مشخص کرد.<sup>۲۰</sup>

تفاوت بین موج اول و موج دوم را می‌توان به صورت یک تغییر و جابه‌جایی کانون توجه از برابری به تفاوت- از مورد خطاب بودن وضع نابرابری به تفاوت‌های زنان از مردان و از یکدیگر- خلاصه کرد. موج اول را می‌توان شکلی از سیاست‌های لیبرالی بیان کرد، که در آن تساوی زنان مطالبه شده، ولی شرایط

۱۷. نک: آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی.

۱۸. نک: آبوت و والاس، همان.

19. Virginia Woolf

۲۰. نک: ibid.

21. Simon de Beauvoir

22. other

23. ibid.

24. Betty Friedan

۲۵. نک: Clara Greed, *The*

*Rocky Path from Women and Planning to GM*

26. Mary Daly

27. Germaine Greer

۲۸. نک: Rendell & Penner &

Borden, ibid.

29. Andrea Dwrkin

در بریتانیا اغلب مطالعات جنسیتی متمرکز بر آنالیز نظام سرمایه‌داری و مردسالاری بوده است، درک طرق مختلفی که، در آن طبقه، همانند جنسیت، ایجاد کنندهٔ ظلم، تعدی، و فشار است. همچنین طرف‌داران حقوق زنان نشان داده‌اند که چطور جامعه‌شناسان دربارهٔ «کار» تعریف گمراه‌کنندهٔ «کار مزد بگیری بیرون از خانه» را مطرح کرده‌اند.<sup>۳۰</sup> جامعه‌شناسان مارکسیستی نظریات مختلفی را در باب اینکه چگونه دو ساختار اجتماعی سرمایه‌داری و مردسالاری، در خانه و محل کار، در فضای خصوصی و عمومی، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، مطرح کرده‌اند. در این باره، هیدی هرتمن<sup>۳۱</sup> مدعی شده است که سرمایه‌داری و مردسالاری ساختارهای اجتماعی همزاد هستند و یکدیگر را در ظلم و فشار و تعدی به زن‌ها یاری می‌کنند. ولی عمیق‌ترین بحث‌ها در این باره را متفکر بزرگ این زمینه مایکل بارنت<sup>۳۲</sup> صورت داده است، با ملاحظه اینکه نقش و وظیفهٔ زنان در خانه و محل کار یکدیگر را تقویت کرده و هر دو خدمت‌هایی هستند، در تجدید دوبارهٔ نظام سرمایه‌داری.

### تعامل مفاهیم جنسیت و فضا

این موضوع که آیا فضا جنسیت یافته و اگر چنین است چگونه دارای جنسیت شده، موضوعی بسیار بدیع و حتی حل‌وفصل نشده‌ای است. سؤالات بی‌شماری مطرح است در مورد اینکه آیا فضای جنسیت‌یافته محصول عملکرد طرح‌های معماری است که مطابق با جنس معمار تولید شده‌اند، یا اینکه با عدسی تأویل و تفسیر منتقدان معماری، تاریخ و تئوری پدیدار گشته است؟

در تعامل جنسیت و فضا، بر جنسیت‌دار بودن فضا از جنبهٔ چگونگی استفاده اشاره می‌شود. مکان‌های خاص ممکن است، مطابق با «جنس» بیولوژیکی مردمی که آن‌ها را به کار می‌گیرند، وابسته به جنسیت خاصی شوند یا مطابق با «جنسیتی»، که با انواع مختلف فعالیت‌های اجرایی در آن‌ها مرتبط است، دارای

جنسیت شوند. به طور مثال توالت‌ها به صورت مردانه و زنانه، «جنسیت مشخص دارند»، برای آنکه توسط جنس مرد و زن به کار می‌روند، در حالی که آشپزخانهٔ خانگی جنسیت زنانه پیدا کرده، زیرا فعالیت آشپزی چیزی است که به طور اجتماعی با زنان مربوط می‌شود؛ در مقابل آشپزخانه یک رستوران عمومی را فرض کنید که سرآشپز آن معمولاً مرد است!

مطالعه و بررسی جنسیت و فضا یک موضوع میان‌رشته‌ای است. آن‌ها که به جنسیت در فضای شهری نظر دارند، الهامات خود را از کار رویکردهای نظری در رشته‌های دیگر به دست می‌آورند؛ مثل جغرافی، مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی، تئوری فیلم، تاریخ هنر، روان‌کاوی، و تعاریف سیاسی و فلسفی. این رشته‌ها با فضا در بازنمایی<sup>۳۳</sup> آن و استعاره‌های فضایی مرتبط هستند.

اگر از یک دیدگاه مردم‌شناسانه و جغرافیایی، فضا به طور اجتماعی و فرهنگی تولید می‌شود و مناسبات جنسیتی، به طور اجتماعی فرهنگی و فضایی ساخته می‌شوند، دو سؤال کلیدی مطرح است: (۱) «مناسبات جنسیت چگونه در فضا آشکار می‌شوند؟» و برابر با آن، (۲) «مناسبات فضایی چگونه در ساخت و ترکیب جنسیت آشکار می‌شوند؟».

در اینجا منظور از فضا آن فضایی نیست که به طور سنتی از طریق طراحی تعریف می‌شود (فضای ساختمان‌های طراحی شده توسط معمار)، بلکه صحبت از فضایی است که در خلال فعالیت‌های روزانه کشف، استفاده، و اشغال می‌شود و تعبیر شکل می‌یابد. در تعریف ارتباط دیالکتیکی بین جامعه و فضا، کار جغرافی‌دانان مارکسیست، دیوید هاروی<sup>۳۴</sup> و ادوارد سوجا<sup>۳۵</sup>، اهمیت به‌سزایی دارد. ایشان معتقدند فضا یک محصول اجتماعی است، و در عین حال فضا لازمهٔ یک محصول اجتماعی نیز هست.<sup>۳۶</sup> مردم‌شناسان نیز این موضوع را این‌گونه مطرح کرده‌اند که، فضا اساساً فرهنگی تولید می‌شود، و طرح معماری در اینجا یکی از مصنوعات متعدد فرهنگی است. فضا همانند یک مادهٔ

۳۰. Dory Reeves, *Gender, Equality and Plan Making, The Gender Mainstreaming Toolkil*.

31. Heidi Hartman  
32. Michele Barrentt  
33. representation  
34. David Harvey  
35. Edvard Soja

۳۶. نک: Rendell & Penner & Borden, *ibid*



ت ۲. نمودار جنسیت‌دار بودن فضا از جنبهٔ چگونگی استفاده، مأخذ: نگارنده.

می‌کنند، سخن گفته است.<sup>۴۱</sup> ایجاد ارتباط بین فضاهایی که زنان اشغال کرده‌اند و موقعیت اجتماعی آن‌ها به کار جغرافی دانان طرفدار حقوق زنان<sup>۴۲</sup> مربوط می‌شود. ایشان عقیده دارند فضا محصول مناسبات جنسیتی است و اگر جنسیت تفاوت‌هایی در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم ایجاد می‌کند- دربارۀ اینکه چگونه رفتار می‌کنیم و چگونه خودمان را فرض می‌کنیم- این شرایط اجتماعی باید بر فضاهایی که می‌سازیم یا استفاده می‌کنیم تأثیر داشته باشد. شاید بیشترین اثر این انتقادات را تئوریسین فرهنگی روزالین دویچ<sup>۴۳</sup> توسعه داده باشد که حملهٔ وی به جغرافی دانان فرانگرا<sup>۴۴</sup>، تأیید تحلیل‌هایی است از روش‌های مختلفی که موضوعات جنسیتی در آن‌ها حذف شده یا تحلیل رفته‌اند.

### بازنمایی جنسیت

توجه به این نکته حایز اهمیت است، همان‌گونه که، فضا، بر اثر تصرفات فیزیکی، دارای جنسیت می‌شود، از طریق بازنمایی نیز

ذاتی و ساکن نیست که، از طریق هندسی قابل اندازه‌گیری باشد، بلکه یک جزء جدایی‌ناپذیر و متغییر زندگی روزانه است و به آداب و رسوم و فعالیت‌های شخصی و اجتماعی پیوند خورده است.

مردم‌شناسی یکی از اولین رشته‌هایی بود که، در آن بین جنسیت و فضا روابطی مشخص و از طریق آن روابط قدرت تعریف شد.<sup>۳۷</sup> مردم‌شناسان، در کار خود، طرفدار حقوق زنان، عمدتاً در عرصه‌های «عمومی»<sup>۳۸</sup> و «خصوصی»<sup>۳۹</sup>، و روابط اجتماعی متقابل بودند. این رویکرد مایهٔ انتقادات بسیاری، به‌خصوص بر علیه علاقه‌مندان به مرزبندی‌های فضایی-مثل شهرسازان و تاریخ‌دانان- شد.

اخیراً، توجه بیشتر به راه‌هایی معطوف شده است که، در آن راه‌ها ارتباط بین جنسیت و فضا، از طریق نفوذ قدرت، تعریف می‌شود. یعنی اینکه چطور مناسبات قدرتی در فضای ساخته شده نقش دارند؟ دافنه اسپاین<sup>۴۰</sup> در مورد چگونگی موقعیت‌های اجتماعی زنان، متأثر از فضاهای کاری که آن‌ها در آن فعالیت

37. Ibid.

38. public

39. private

40. Daphne Spain

۴۱. نک:

Jeanette Gatenby, *Women In The Built Environment: the Design and Construction of where we Live, Work and Play.*

42. Gillian Rose, Linda mc

Dowell, Poreen Massey

43. Rosalyn Deutsche

44. Post modernism

ت ۳. نمودار نمونه «حوزه‌های مجزا»، مأخذ: نگارنده.

حوزه خصوصی	حوزه عمومی
بازتولید	تولید
زنانه	مردانه
خصوصی	عمومی
خانه	شهر

جنسیت می‌یابد. اگرچه تفکر درباره روابط دیالکتیکی جنسیت و فضا مهم است، مردم‌شناسان و جغرافی‌دانان در مواردی که جنسیت و فضا بازنمایی می‌شوند سکوت می‌کنند و با کمی استثنا، در هر بحث تلویحی، درباره نقش بازنمایی در معرفی ارتباط پیچیده بین هویت فضاها شهر جنسیت یافته، با کمبودهایی مواجه هستند.

کار فیلسوف مارکسیست، هانری لوفور<sup>۴۵</sup>، چارچوب نظری مفیدی را، برای ملاحظه اینکه چگونه بازنمایی به تولید کردن و تولید شدن به وسیله فضای اجتماعی کمک می‌کند، مطرح می‌کند. علی‌رغم تولید و گسترش قلمرو عمومی از طریق صنعت ساختمانی و حرفه طراحی شهری، لوفور معتقد به این واقعیت بود که، فضا همان‌طور که به صورت مادی تولید می‌شود، از طریق مفهومی<sup>۴۶</sup> نیز تولید می‌گردد. همچنین توضیح می‌دهد که محصول اجتماعی فضا از سه طریق مختلف که متعامل با یکدیگر هستند عمل می‌کند:

۱. «عملکرد فضایی»: فضای مادی و عملکردی؛
۲. «بازنمایی فضا»: فضا، زبان کدگذاری شده؛

45. Henri Lefebvre
46. conceptually
47. representational

نک: ۴۸.

- Rendell & Penner & Borden, ibid.
49. separate spheres
50. Jane Wolf
51. Wilson
52. anti-urban
53. modernism

۳. «فضای بازنمایانده شده»<sup>۴۷</sup>: تجربه زندگی روزمره در فضا.<sup>۴۸</sup>

اساسی‌ترین بازنمایی فضای جنسی شده نمونه «حوزه‌های مجزا»<sup>۴۹</sup> است، سیستمی تقابلی و سلسله‌مراتبی هماهنگ با یک قلمرو عمومی مردانه مسلط تولید (یعنی شهر) و یک قلمرو خصوصی زنانه تابع بازتولید (یعنی خانه).

ریشه و اساس این ایدئولوژی که شهر را از خانه، عمومی را از خصوصی، تولید را از بازتولید، و مردان را از زنان جدا می‌کند، هم مردسالاری و هم سرمایه‌داری است. رویکردهای نظری جنسیت در حوزه جنسیت و فضا این چارچوب منطقی متداول را، چون نقطه آغازی برای نقد تعاریف فضای جنسیت یافته، به کار گرفته است. در این اواخر، ساختارهای عمومی مردانه بازتعریف شده‌اند، به این صورت که هر یک از جنبه‌های مثبت مردسالاری (تولید، عمومی، مردانه، شهر)، با نشان دادن ارتباطات مبهم قبلی خود با عباراتی، که ذاتاً به صورت منفی در ایدئولوژی مردسالاری معرفی شده بودند، بازتفسیر شده است (بازتولید، خصوصی، زنانه، خانه).

واضح است که جدا کردن قلمرو عمومی و خصوصی، روابط زنان را در شهر هم از نظر فیزیکی و هم در سطح ایدئولوژیکی مسئله‌دار می‌کند. در واکنش به جامعه‌شناسانی مثل جین وولف<sup>۵۰</sup>، که مدعی هستند ادبیات و فرم‌های بصری، ایدئولوژی حوزه‌های مجزا را بازنمایی می‌کنند، ویلسون<sup>۵۱</sup> ما را از خطرات تعصبی ضد شهری<sup>۵۲</sup> در اغلب ادبیات فمینیستی آگاه می‌کند و از نقش شهر، در فراهم کردن فضایی از آزادی برای زنان، حمایت می‌کند.

در تجزیه و تحلیل‌های اخیر خاطر نشان می‌شود، هم بازنمایی‌ها ممکن است جنسیت‌دار باشند و هم جنسیت خودش شکلی از بازنمایی باشد. در همین باره می‌توان گفت که تقریباً در همه ادبیات مردانه، معتقدان نوگرایی<sup>۵۳</sup> مشوق ایدئولوژی حوزه‌های مجزا هستند و در طرح تئوری خود، ارتباط زنان با





ت ۴. نمودار معیارهای طراحی همه شمول

مهمی در انعکاس فضاهای مصرف در زندگی اجتماعی زنان و ساختارهای زنانه ایفا می کنند. زنان کارگرانی هستند، که در مغازه‌ها دستمزد پایینی می گیرند و در نقش مصرف کننده اقلامی را برای خودشان و کالاهایی را برای خانه خرید می کنند. از این طریق زنان تماس نزدیک روزانه با فضاهای شهری بیرون از خانه دارند.<sup>۵۴</sup> همچنین، فعالیت مصرف نشان می دهد «جایگاه زن» هم‌زمان هم در خانه و هم در شهر است، و در «ماورای محدوده حوزه‌های مجزا شده» در رفت و آمد است. نقش یک مصرف کننده می تواند برای زنان یک نقش توانمندکننده دیده شود، منبعی از اعتماد به نفس و لذت در قلمرو عمومی.<sup>۵۷</sup>

یکی از مهم ترین بخش های تحقیق درباره موضوع جنسیت و فضاهای مصرفی، در مطالعات فرهنگی و جغرافیایی استرالیا متمرکز شده است. موریس<sup>۵۸</sup>، یکی از متفکران کلیدی معاصر در تئوری فرهنگی، در روابط تئوری نشانه شناسی برای مطالعه اشغال فضاهای روزمره مصرف توسط زنان بحث می کند. او در تئوری خود متوجه مسائلی است که، سیستم های بازنمایی در بر گیرنده مفهوم جنسیتی هستند، چرا که جنسیت، خود شکلی از

شهر را تکذیب کرده اند. به طور واضح، ارتباط زنان با شهر و تجربه شهری تنها از طریق بازنمایی های فرهنگی قابل درک است. گرچه ایدئولوژی جنسیت به طور واضح ذکر نمی شود، اما در خلال مدارک تاریخی و فرم های فرهنگی بازنمایی ایجاد می شود.

رویکردهای اخیر، برای توضیح اینکه چگونه تفاوت جنسیت با روابط خواستن و خواسته شدن، دیدن و دیده شدن شکل می گیرد، به طرف نشانه شناسی و روان کاوی کشیده شده اند. تسلط موضوع مردانه در نظام های بصری، از طریق تولید بازنمایی های فضای شهری که در آن فقط مردان نگاه می کنند و زنان همچون اشیایی قابل رؤیت مصرفی نگاه می شوند، برای جنسیت دار کردن فضای شهری ابعاد گوناگونی دارد. هنری گریزیلدا پولاک<sup>۵۴</sup> تاریخ دان از روان کاوی و تئوری نشانه شناسی برای تحلیل رابطه زنان با فضای عمومی، با بازنمایی های بصری، استفاده می کند. او، با مطالعه درباره نقاشی های امپرسیونیست مردانه، در سه راه تفکر درباره جنسیت و فضا درباره بازنمایی های بصری بحث می کند.

۱. جنسیت دار شدن موقعیت تصویر کردن؛

۲. جنسیتی شدن کدهای بازنمایی؛

۳. جنسیت دار شدن زمینه ایدئولوژیکی.<sup>۵۵</sup>

تجزیه و تحلیل های پولاک به این موضوع اشاره دارند که، جنسیت دار شدن فضا، به غیر از آنچه ایدئولوژی قلمروها و حوزه های جدا از هم عرضه می کند، به روش های پیچیده زیادی شکل می گیرد. بدین ترتیب فضاها و فعالیت های مصرفی و روزانه می توانند به صورت عباراتی در نظر گرفته شوند که از حد منطق دوتایی (صفر و یک) حوزه های مجزا از هم بگذرد.

## مصرف و زندگی روزمره

مصرف، باعث ایجاد سؤالاتی جالب توجه برای رویکردهای نظری جنسیت می شود. بسیاری از مطالعات زنان، نقش

54. Grisleda Pollock

۵۵. نک: ibid.

56. نک: Birmingham City

.Council, Places for All

57. نک: Terri Dame, Women

and Community Safety: an

,Integrated Strategy

58. Meaghan Morris

بازنمایی است. مراکز خرید، پاساژها، و سایر مکان‌های مصرفی تشکیل‌دهنده نوعی از فضاها هستند که، می‌توانند به صورت روزانه عرضه شوند.

## نتیجه؛ متعادل ساختن فضای جنسیت‌یافته به کمک طراحی شهری

سیر تکامل طراحی شهری، همگام با سیر تحول اندیشه‌ها، در مورد مفهوم کیفیت در طراحی شهری، همواره در حال پیچیده شدن و تکامل مستمر بوده است. در این مسیر، دامنه اطلاق مفهوم «کیفیت طراحی شهری» از حالت بسیط و تک‌مؤلفه‌ای به تدریج به حالت مرکب تطور می‌یابد. در جریان این تکامل، بر مبنای دیدگاه نظری طراحی شهری «کثرت‌گرا»، هنگامی طراحی شهری موفقیت‌آمیز به بار خواهد آمد که، خواسته‌ها، نیازها، و توانایی‌های گروه‌های مختلف جمعیتی را نمایندگی کند.<sup>۵۹</sup> بر این اساس در جستجوی پایگاهی که معیارهای مناسبی برای دستیابی به این هدف در دسترس قرار دهد، توجه به معیارهای مطرح شده در رویکرد طراحی همه‌شمول<sup>۶۰</sup> مفید به نظر رسید. طبق تعریف، طراحی همه‌شمول طراحی محیط و محصولات به گونه‌ای است که، برای همه مردم قابل استفاده باشد و بالاترین میزان استفاده را بدون نیاز به تطبیق یا طراحی ویژه برای همه گروه‌های مختلف اجتماعی در هر سطح توانایی ایجاد کند.

«معیارهای طراحی همه‌شمول»:

- تساوی در استفاده؛
- انعطاف‌پذیری در استفاده؛
- سادگی و قابلیت ادراک سریع؛
- قابل فهم بودن اطلاعات برای همه؛
- رواداری در خطای دیگران؛
- تلاش بدنی اندک؛
- اندازه و فضای لازم برای ورود و استفاده.

موضوع جنسیت، در بر گیرنده ابعاد اجتماعی- روان‌شناختی نیز هست، و به نظر می‌رسد، از آن دید، برخی از ابعاد کیفیت طراحی شهری باید با دقت بیشتری توجه شود، پررنگ‌تر شدن این ابعاد و بازخوانی اهمیت آن‌ها در برخی از طبقه‌بندی‌های انجام شده، با تأکید بر وجوه اجتماعی و روان‌شناختی فضا، به دستیابی به فضای مناسب برای گروه‌های جنسیتی مختلف یاری خواهد رساند. در این مسیر می‌توان به ابعاد نیازهای انسان در فضای شهری اشاره کرد. این اعتقاد عمومی هست که بدون توجه به این نیازها، فضا می‌تواند صدمات فیزیولوژی و روانی به انسان وارد کند.<sup>۶۱</sup> برای درک فضایی شهر، نیاز داریم هم از بالا و هم از پایین به آن نگاه کنیم. از بالا، ما منظر اقتصاد سیاسی را داریم، جایی که نظام‌های پولی و قدرت در کارند تا محیط‌های مصنوع را پدید آورند و جایی که جستاری علمی درکی عینی از فضای شهری به ما می‌دهد. از پایین، منظر زندگی روزمره را داریم، در جایی که بی‌نظمی و خودجوشی، می‌توانند چیره شوند و جایی که رفتار انسان «در» و «به هنگام استفاده» از فضای شهری، به آن معنا می‌بخشد.<sup>۶۲</sup>

طراحی شهری زمینه‌ای حرفه‌ای است که تنها اخیراً از مطالعات جنسیت متأثر شده است و هم در عمل و هم در تحقیق دانش مناسب درباره جنسیت هنوز محدود است.<sup>۶۳</sup> این نوشتار مقدمه و آغازی است بر آزمون موضوع جنسیت در زمینه طراحی شهری و آشنایی با مفاهیم اولیه در این حوزه. ذکر این نکته ضروری است که، برای کاربردی شدن نتایج حاصل از پژوهش حاضر در تعادل بخشیدن و ارتقای کیفیت محیط از منظر جنسیت لازم است تا تأثیر موضوع جنسیت بر مؤلفه‌های کیفی طراحی شهری موشکافی شود. از آنجا که طراحی شهری به نیازهای انسانی به صورت کیفی توجه می‌کند، با اتکا به دیدگاه‌های نظری کثرت‌گرا و طراحی همه‌شمول، بدیهی است که این حرفه می‌تواند در فرایند ایجاد هر گونه فضای شهری به این نیازها و روابط متقابل و اجزایشان توجه کند. آنچه مسلم

۵۹. کورش گلکار، «تئوری‌های طراحی شهری: تحلیل گونه‌شناختی تئوری‌ها»، ص ۱۶-۳۳.

60. universal design  
K. Day, "The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space", p.

۶۲ نک: علی مدنی‌پور، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی- مکانی.

63. Anita Larsson, Gender Perspectives in Housing and Planning.

- Deutsche, R. *Men in Space*, Cambridge, Mass: MIT Press, 1996.
- European Policies Research Center. *Gender Equality and Housing*, Ireland: University of Strathclyde, 2001.
- Federation of Canadian Municipalities. "A City Tailored to Women", 2004.
- Federation of Canadian Municipalities. "Increasing Women's Participation in Municipal Decision-making Processes", 2004.
- Gatenby, Jeanette. *Women In The Built Environment: the Design and Construction of where we Live, Work and Play*, Tasmanian Women's Consultative Council, 1993.
- Gehl, Jan & Helle Scot. *Public Spaces and Public Life: City of Adelaide*, Adelaide city Council, 2002.
- Greed, Clara. *The Rocky Path from Women and Planning to GM*, Bristol: University of the West England, 2003.
- \_\_\_\_\_. "Gender mainstreaming within local planning authorities", *Municipal Engineer*, 156 Issue ME2, ICE, 2003.
- \_\_\_\_\_. *Women & Planning, Creating Gendered Realities*, Routedge, 1994.
- \_\_\_\_\_. *Surveying Sisters, Women in a Traditional Male Profession*, Routedge, 1991.
- Hayden, D. "What Would a Non-Sexiest City Be Like?", in *The City Reader*, London: Routledge, 2000.
- Laidlaw, Diana & Jane Lomax & Mary O'kane. *Women in Adelaide*, Adelaide city Council, 2000
- Larsson, Anita. *Gender Perspectives in Housing and Planning*, HDM/ Lund University, 2002
- Ministry for the Environment. *People+ Places+ Space, A design guide for Urban New Zealand*, 2002.
- Planning SA. *Crim Prevention through Environmental Design and Urban Design*, south Australia, 2002.
- Pollock, Grisilda. *Vision and Difference: Femininity, Feminism and Histories of Art*, London: Routledge, 1992.
- Reeves, Dory. *Gender Equality and Plan Making, The Gender Mainstreaming Toolkit*, RTPI, 2003.
- Rendell, Jane & Barbara Penner & Iain Borden. *Gender Space, Architecture*, Routedge, 2000

است حضور اجتناب‌ناپذیر زنان فضا و به تبع آن عرصه همگانی را تغییر می‌دهد، اما این سؤال مطرح است که، آیا می‌توان فضایی ایجاد کرد که عادلانه‌تر و امن‌تر باشد؟

## منابع و مآخذ

- آبوت، پاملا و کلر والاس. *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- امیرابراهیمی، مسرت. «فضای عمومی در حصار»، فصل‌نامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۴-۶۵ (فروردین ۱۳۸۱)، ص ۶۳-۶۷.
- ریترز، جرج. *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- فرانک فرزانه. *راهنمای طراحی شهری معطوف به جنسیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- گلکار، کورش. «تئوری‌های طراحی شهری: تحلیل گونه‌شناختی تئوری‌ها»، صفحه، ش ۲۹ (پاییز و زمستان ۱۳۷۸)، ص ۱۶-۳۳.
- گیدنز، آنتونی. *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- مدنی‌پور، علی. *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی-مکانی*، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۴.
- Auckland City Council. *The Residential Design Guide*, 2001.
- Bell, Wendy. *Women and Community Safety*, South Australia: Bell Planning Associates, 1998.
- Birmingham City Council. *Places for All*, 2001.
- Bosington and Dean Borough Council. *Place to Live, urban Design guidance for residential development*, 2002.
- Carmona, Matthew & Tim Heath & Taner Oc & Steven Tiesdell. *Public Places, Urban Spaces*, Elsevier: Architectural Press, 2005.
- Dame, Terri. *Women and Community Safety: an Integrated Strategy*, 2002.
- Day, k. "The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space", *Journal of Environmental Design*, 2006.
- DETR, "By Design", Department of the Environment, Transport and the Regions, 2000.

SMIL. *Sustainable Mobility for All!*, SMIL-Europe, 2004.

Stummvol, Gunter. *Design Against Crime in Vienna: A Feminist Approach*, Vienna: Department of Sociology, 2003.

Tibbalds, Francis. "Urban Design: Public and private Realm", *The Architect's Journal*, 1990, p. .

Wilson, Elizabeth. *The Sphinx in the City: Urban Life, the Control of Disorder and Women*, London: Virago, 1991.

Wolf, Jane, «The Invisible Flaneuse: Women and the Literature of Modernity», *Theory, Culture and Society*, 1985.

Women's Design Service. *Cycling Networks Hit the Road*, WDS, 2004.

\_\_\_\_\_. *Making Safer Places. Brunswick Estate*, WDS, 2005.